

«گزیر» حقوق سپرده‌گذاران را تضمین می‌کند

مسئله بانک آینده با فرایند حقوقی «گزیر» انجام می‌شود



توقف ورشکستگی بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی به سبب نقش محوری‌ای که آنها در اقتصاد کشورها در مقایسه با سایر بنگاه‌های اقتصادی دارند، رخدادی پیچده‌تر تلقی می‌شود. وقوع این پدیده در نظام‌های پولی دنیا با حساسیت بالایی روبه‌رو است؛ زیرا تبعات ریسک سیستمی توأم با این پدیده می‌تواند غالباً دارای آثار بسیار مخربی بر مجموعه نظام پولی و مالی کشورها و از طریق آن مجموعه کل اقتصاد باشد. پس از بحران مالی جهانی (اقتصادی و بانکی)، ارکان نظام خاص ورشکستگی نهادهای مالی، به طور اخص حل و فصل یا گزیر، از توجه ویژه‌ای برخوردار شدند، همچنین استانداردهای بین‌المللی بسیاری برای حل و فصل بانک‌های متوقف و ورشکسته از سوی هیئت ثبات مالی (FSB) به تدریج برای ارائه ویژگی‌های کلیدی نظام گزیر در مورد نهادهای مالی توسعه یافت.

■ ■ ■

فرایند گزیر به چه معناست؟ به طور کلی فرایند گزیر یا حل و فصل در نظامات حقوقی سابقه طولانی دارد اما یک نهاد حقوقی جدید در نظام حقوق تجارت ایران به شمار می‌رود. فرایند گزیر به عنوان جایگزین نظام سنتی ورشکستگی است و در فارسی تحت عنوان فرایند گزیر یا حل و فصل شناخته می‌شود. در واقع شاید با توجه به دولتی بودن نظام بانکی ایران تا دهه‌های اخیر، اساساً موضوع توقف یا عدم کفایت بانک‌ها موضوعیت پیدا نمی‌کرد که نیاز به تعریف راهکار و قواعد حقوقی برای حل آن وجود داشته باشد. فرایند گزیر، در عمل بانک‌ها را از فرایند سنتی ورشکستگی مستثنی می‌کند و مبنای این رویکرد، بزرگ بودن بانک‌ها به عنوان بنگاه اقتصادی و همچنین درگیر بودن بخش بزرگی از جامعه‌با تغییر در وضعیت حقوقی آنها و همین‌طور اثر ورشکستگی یک بانک بر اقتصاد کلان و حکمرانی است. به زبان ساده فرایند گزیر یعنی فرایند ساماندهی، انحلال یا بازسازی یک بانک ناسالم یا ناتراز، بدون آنکه بحران آن بانک باعث از بین رفتن پول اشخاص بایی‌ثباتی در نظام مالی کشور شود.

■ **جایگاه قانونی فرایند گزیر**

در بند(۲) ذیل ماده‌یک قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰/۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی، فرایند گزیر این‌طور تعریف شده است: منظور صیانت از منافع عموم و حفظ ثبات مالی در خصوص مؤسسات اعتباری که با تاتراری مواجه شده یا در معرض ورشکستگی قرار گرفته‌اند، در چارچوب قانون، اجرا می‌شود. در حقیقت آغاز فرایند گزیر در مورد یک بانک یا مؤسسه اعتباری، نقطه پایان تدابیر نظارتی و مداخلات بانک مرکزی در مورد آن مؤسسه است. در حال حاضر، فرایند گزیر بانکی در ماده۳۳ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است، مطابق این ماده به‌نظر می‌رسد اقدامات در نظر گرفته شده در مورد بانک آینده مشمول بند۵ ذیل

تبصره ۲ این ماده مبنی بر ادغام در بانک ملی است.

■ **مساده ۳۳ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**

چنانچه رئیس کل در دورای که مؤسسه اعتباری از سوی هیئت سرپرستی موقت اداره می‌شود یا قبل از آن، به این نتیجه برسد که شاخص‌های ناظر به وضعیت سرمایه و نقدینگی مؤسسه اعتباری قابل اصلاح نیست، موظف است پیشنهاد گزیر مؤسسه اعتباری را به هیئت عالی ارائه کند. در صورت تصویب پیشنهاد رئیس کل از سوی هیئت عالی، مؤسسه اعتباری با ترتیبات زیر وارد مرحله گزیر می‌شود: ۱- مدیریت گزیر مؤسسات اعتباری بر عهده «صندوق ضمانت سپرده‌ها» است. صندوق ضمانت سپرده‌ها موظف است طی حداکثر پنج روز کاری پس از لازم‌الاجراشدن مصوبه هیئت عالی، فرایند گزیر مؤسسه اعتباری مورد نظر را آغاز کند و با کمترین هزینه مالی و اجتماعی و با هدف صیانت و رعایت غبطه سپرده‌گذاران، به ویژه سپرده‌گذاران خرد و سایر ذینفعان گزیر مؤسسه اعتباری موردنظر را مطابق قانون به انجام برساند. ۲- اعطای تسهیلات جدید، صدور ضمانتنامه، گشایش اعتبار اسنادی و افتتاح حساب از سوی مؤسسه اعتباری تحت گزیر، مجاز نیست. در عین حال، مدیر گزیر موظف است پس از چارچوب مصوبات هیئت عالی، فعالیت‌های اصلی مؤسسه اعتباری را که عدم‌انجام آن در دوران گزیر به تشخیص هیئت عالی به‌ایجاد بی‌ثباتی مالی

منجر می‌شود تا زمان خاتمه فرایند گزیر، ادامه دهد. تبصره ۱- در سال نخست اجرای این قانون، هیئت عالی می‌تواند اجرای مصوبات خود را که ناظر به تعیین هیئت سرپرستی موقت برای مؤسسات اعتباری یا گزیر آنهاست، صرفاً در مورد مؤسسات اعتباری که دستورات بانک مرکزی را به طور کامل رعایت کنند، تعلیق کند.

تبصره ۲- مدیر گزیر می‌تواند در چارچوب این قانون، نسبت به پیشنهاد موارد زیر به هیئت عالی اقدام کند: ۱- فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به مؤسسه اعتباری دیگر.

۲- انتقال باقی مانده دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به یک «مؤسسه اعتباری انتقالی»؛ ۳- تبدیل بخشی از بدهی‌های ضمانت‌نشده مؤسسه اعتباری ادغام شوند.

۴- ادغام مؤسسه اعتباری در حال گزیر در یک مؤسسه اعتباری دیگری با تأیید مجمع عمومی مؤسسه اعتباری ادغام شوند.

۵- انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر.

تبصره ۳- منظور از «مؤسسه اعتباری انتقالی» در تبصره (۲)، مؤسسه اعتباری است که با مجوز بانک مرکزی و به منظور مدیریت بهتر دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری تحت گزیر، به صورت موقت (با طول عمر حداکثر سه سال) از سوی مدیر

گزیر تأسیس می‌شود.

■ **هدف از اجرای فرایند گزیر**

همانطور که گفتیم وقتی بانکی ورشکسته، ناتوان می‌تواند اجرای مصوبات خود را که ناظر به تعیین هیئت سرپرستی موقت برای مؤسسات اعتباری یا گزیر آنهاست، صرفاً در مورد مؤسسات اعتباری که دستورات بانک مرکزی را به طور کامل رعایت کنند، خرد برسد آن بانک را نجات دهد یا منحل کند، بنابراین اهداف این فرایند را می‌توان چنین برشمرد: ۱- حفظ سپرده‌های مردم، به‌ویژه سپرده‌های خرد؛ ۲- جلوگیری از ورشکستگی زنجیرهای بانک‌ها؛ ۳- انتقال دارایی‌های سالم بانک به یک بانک عامل (مثلاً بانک ملی)؛ ۴- قطع دسترسی سهامداران متخلف و مدیران ناکارآمد از تصمیم‌گیری؛ ۴- کاهش هزینه دولت در نجات بانک‌های بحران‌زده.

■ **تفاوت ادغام و گزیر**

از نظر حقوقی، ادغام به یکی شدن دو شرکت تحت عنوان یک نهاد تازه با ساختار مالکیتی جدید گفته می‌شود. مدیریت این شرکت جدید معمولاً با مشارکت اعضای هر دو شرکت انجام می‌شود، همچنین در ادغام، بانک با همه بدهی‌ها و دارایی‌هایش به بانک دیگر ملحق می‌شود، اما در گزیر فقط بخش‌های سالم و نقدشونده مانند سپرده‌ها و دارایی‌های مفید منتقل می‌شوند و بخش‌های ناسالم مانند دارایی‌های سمی یا بدهی‌های غیرقابل وصول در یک شرکت جداگانه تعیین تکلیف می‌شوند و نیازی به تأسیس یک نهاد جدید برای رسیدگی به دارایی‌ها نیست.

■ **بانک آینده از تولد تا گزیر**

بانک آینده به عنوان یک بانک خصوصی در سال ۱۳۹۱ با ادغام بانک‌های تات و مؤسسه‌های مالی و اعتباری صالحین و آتی که با سرمایه ۸ هزار میلیارد ریال تأسیس شده بود، در پایان سال ۱۴۰۲، ۴۲۶ هزار میلیارد تومان زیان انباشته و ۳۱۴ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک مرکزی داشت. یکی از بحث‌برانگیزترین اقدامات بانک آینده که از آن به عنوان یکی از علل اصلی ناترازی این بانک اشاره می‌شود، سرمایه‌گذاری در پروژه ایران مال است، همچنین پرداخت تسهیلات کلان به افراد وابسته به این بانک و از شرکت‌های زیرمجموعه آن نیز تأثیرگذار بوده‌است. آثار مخرب سوء جریان در این بانک به حدی بود که خبرگزاری ایسنا در گزارشی، ۲۵ درصد رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۱ را ناشی از اضافه برداشت بانک آینده از منابع بانک مرکزی عنوان کرد. نهایتاً پس از واکنش‌ها و وضعیت بانک آینده که حتی واکنش سران قوا را نیز در بر داشت، هیئت عالی بانک مرکزی شروع فرایند گزیر برای این بانک را تصویب کرد و بنا بر اعلام رئیس کل بانک مرکزی از روز شنبه سوم آبان ۱۴۰۴ همه شعب بانک آینده، به عنوان بانک ملی به فعالیت ادامه خواهند داد. پس از این، فرایند تسویه و انحلال شخصیت حقوقی بانک آینده ادامه پیدا خواهد کرد.

■ **در فرایند گزیر بانک آینده، تکلیف تمامی سپرده‌های اشخاص مشخص می‌شود**

محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در توضیح مراحل اجرای فرایند گزیر گفت: تمام سپرده‌گذاران بانک آینده از این‌بعد سپرده‌گذار بانک ملی خواهند بود. در روزهای آینده تمام تالوهای شعب بانک آینده به بانک ملی تغییر می‌کند و سپرده‌گذاران از روز بعد به بانک ملی مراجعه خواهند کرد. در ماده ۳۳ قانون جدید بانک مرکزی، کاملاً فرایند گزیر تعریف شده است. در مورد بانک‌ها به دلیل بزرگی و حساسیت قبل از اینکه به مرحله انحلال برسیم وارد فرایند گزیر می‌شویم. در فرایند گزیر تکلیف سپرده‌های سپرده‌گذاران، کارکنان و سهامداران را مشخص می‌کنیم و همزمان فعالیت بانکاری متوقف و تعیین تکلیف می‌شود در نهایت بحث انحلال اتفاق می‌افتد، بنابراین بانک آینده در حال حاضر وارد فرایند گزیر شده است و تمامی سپرده‌ها به بانک ملی منتقل می‌شود. فرزین در خصوص تکلیف دارایی‌های بانک آینده نیز گفت: تمای دارایی‌های طبق قانون به صندوق ضمانت سپرده‌ها منتقل خواهد شد چرا که بانک آینده دارایی‌ها و شرکت‌های بسیار زیادی دارد، به صندوق ضمانت سپرده‌ها منتقل خواهد شد. منابع حاصل از فروش دارایی‌ها نیز کم و کم و متناسب با سپرده‌ها به بانک ملی منتقل می‌شوند.

به‌طور کلی می‌توان نهادهای درگیر در فرایند گزیر را به یک‌مرتبه به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول متشکل از اشخاص حقیقی و حقوقی است که در صورتی که فرد یا شرکت متوفی دارای اموال غیرمنقولی مانند زمین و خانه را به ارث می‌برد و اگر فرزندی نداشته باشد یک‌چهارم از اموال منقول و یک‌چهارم از قیمت اموال غیرمنقول به زن می‌رسد.

■ **سهم الارث نوه:** همانطور که پیش‌تر بیان شد، نوه در صورتی مالک ماترک می‌شود که فرزندان متوفی موجود نباشند. در این فرض، نوه یا نوه‌های متوفی جانشین پدر و مادر خود و فرزندی می‌شوند که موجود نیست و همان سهمی که قرار بود نصیب والدین آنها شود، به جمیع آنها می‌رسد.

■ **تقسیم ارث در طبقه دوم**

ماده ۸۶۲ قانون مدنی در طبقه دوم ارث اجداد، برادر، خواهر و اولاد آنها را قرار داده است. در این طبقه پدربزرگ، مادر بزرگ، اولاد مشترک و چند خواهر ابی (تنها پدر مشترک) یا اینکه چند برادر ابوینی یا چند برادر ابیی داشته باشند، تر که بین آنها به‌طور مساوی تقسیم خواهد شد. اگر وارث متوفی چند برادر و خواهر ابوینی یا چند برادر و خواهر ابی باشند، مردان دو برابر زنان ارث می‌برند. در صورت ناموجود بودن درجه اول از طبقه دوم، درجه دوم ارث می‌برند، در این شرایط برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها جانشین پدر و مادر خود می‌شوند و والدین اجداد نیز سهم فرزندان خود را به ارث می‌برند.

■ **تقسیم ارث در طبقه سوم**

طبقه سوم متشکل از عمو، عمه، خاله و دایی می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که مطابق ماده ۹۳۰ قانون مدنی، اگر میت عمو یا دایی ابوینی داشته باشد، موجب حرومیت خاله و دایی ابی می‌شود. در صورتی که عمو، عمه، خاله و دایی متوفی موجود نباشند نیز نوبت به فرزندان آنها می‌رسد. تقسیم تر که بین فرزندان به این صورت است که هر فرد جانشین پدر و مادر خود می‌شود. ماده ۹۳۷ قانون مدنی در این خصوص بیان می‌کند هرگاه برای میت نه اعمام باشد و نه احوال اولاد آنها به جای آنها ارث می‌برند و نصیب هر نسل، نصیب کسی خواهد بود که به واسطه او به میت متصل می‌شود.

حتمآ برات سؤال شده که

ورشکسته کیست و چه احکامی دارد؟

در ابتدا باید گفت اگر فردی توان پرداخت دیون و هزینه‌های خود را نداشته باشد، معسر شناخته می‌شود و ورشکستگی تنها برای تاجر و شرکت‌های تجاری است، ممکن است تاجر به علت فقدان سرمایه کافی، در نظرنگرفتن رقابت، تغییرات پیش‌بینی‌نشده بازار یا به هر دلیل دیگری، در پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شود، بنابراین ورشکستگی به معنای توقف تاجر از پرداخت دیون و توانایی او از انجام تعهدات مالی خود است. تاجر که به علت نداشتن مال یا وجه نقد از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شده است، تا زمان تصفیه کامل ورشکستگی، ممنوع‌المعامله است، البته این به این معنا نیست که لزوماً بدهی‌های تاجر بیشتر از اموال باشد بلکه ممکن است به دلیل اینکه اموال او در رهن بانک یا صندوق دادگستری است امکان دسترسی به آنها و پرداخت دیون خود را نداشته باشد. همانطور که گفتیم اشخاص عادی و کسانی که به تجارت اشتغال ندارند زمانی که توان پرداخت دیون و بدهی‌های آنها نداشته معسر شناخته می‌شوند و احکام و آثار اعسار با احکام و آثار ورشکستگی شرکت‌ها و تاجر متفاوت است و نباید این دو را با هم خلط کرد. ماده ۴۱۲ قانون تجارت به تعریف ورشکستگی پرداخته است: ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی است که بر عهده اوست حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین‌القت در حال توقیف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر کرد. در قانون تجارت سه نوع ورشکستگی تعریف شده و آثار ورشکستگی نیز پیش‌بینی شده است.

■ **ورشکستگی عادی**

گاهی اوقات عملکرد تاجر هیچ ارتباطی با ورشکستگی او ندارد و تاجر بدون هیچ دخالت و عمدی به دلیل تحریم‌های اقتصادی یا تغییر و تحولات غیرقابل پیش‌بینی بازار و مواردی از این دست سرمایه خود را از دست داده و توان پرداخت دیون و بدهی‌های خود را از دست می‌دهد. او باید به محض اینکه بر این وضعیت واقف شد طی سه روز به دفتر دادگاه عمومی محل اقامت خود مراجعه کرده و صورت حساب دارایی و دفاتر تجاری خود را به همراه ببرد. در این صورت قانون حمایت‌های خاصی را برای او در نظر می‌گیرد و طی روال قانونی، مدیر تصفیه جهت مراجعه به اداره تصفیه و انجام امور ورشکستگی، تعیین و روال قانونی ورشکستگی طی می‌شود.

■ **ورشکستگی به تقصیر**

نوع دوم ورشکستگی، ورشکستگی به تقصیر است، یعنی در اثر اشتباه محاسباتی یا عملکرد، تاجر یا شرکت تجاری ورشکسته می‌شود. مواد ۵۴۱ تا ۵۴۲ قانون تجارت مواردی را که تاجر بر اساس آنها ورشکسته به تقصیر شناخته می‌شود را مشخص کرده است. ۱- در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی با نسیبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است. ۲- در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است. ۳- اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازل‌تر از مظنه روز کرده باشد



یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر ۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده طلب او را پرداخته باشد، همچنین اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقوقی خود را اعم از قرض و مطالبات به‌طور صحیح معین نکرده باشد، مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد. در این موارد دادگاه می‌تواند بنا بر تشخیص خود تاجر را ورشکسته به تقصیر اعلام کند، بنابراین هرگاه تاجر مرتکب یکی از اعمالی که در این دو ماده آمده، شود، ورشکسته به تقصیر محسوب می‌شود. ورشکستگی به تقصیر جرم است و مجازات آن شش ماه تا سه سال حبس خواهد بود.

■ **ورشکستگی به تقلب**

آخرین نوع ورشکستگی، ورشکستگی به تقلب است. در این فرض دادگاه در حین رسیدگی به امر ورشکستگی کشف می‌کند که تاجر عمداً برای آنکه خود را ورشکسته معرفی کند اعمال مذکور در ماده ۵۴۹ قانون تجارت را انجام داده است.

■ **ماده ۵۴۹ قانون تجارت:** هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده یا به طریق مواضع و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارایی و قروض به‌طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نیست مدیون قلمداد کرده است، ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود. در صورتی که دادگاه این موارد را احراز کند تاجر را ورشکسته به تقلب معرفی می‌کند و طبق قانون به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌شود.

■ **آثار ورشکستگی**

هنگامی که برای شخص حقیقی یا حقوقی، ورشکستگی و توقف رخ می‌دهد، آثار حقوقی‌ای نیز برای او ایجاد می‌شود، این آثار به‌طور پراکنده در مواد مختلف قانون تجارت عنوان شده است. مستفاد از مواد قانون تجارت، به ویژه ماده ۴۱۸، ۴۲۱ و ۴۲۳، می‌توان گفت آثار ورشکستگی اختصاراً به شرح زیر است: ۱. ممنوعیت تاجر از مداخله در اموال خود. ۲. حال شدن دیون تاجر و قرض‌های او. ۳. باطل بودن برخی معاملات تاجر. از تاریخ توقف تا ورشکستگی و باطل بودن تمامی معاملات تاجر، بعد از تاریخ ورشکستگی. ۴. عدم امکان وصول همه مطالبات طلبکاران. ۵. الزام طلبکاران یا اشخاص ثالث، به طرح و تعقیب دعوا، نسبت به مدیر تصفیه، به جای تاجر.